

نگرشی به جایگاه و مفهوم قرآنی اتحاد ملی*

سیدمهدی سلطانی رنای**

چکیده

اتحاد ملی، از معدود واژه‌ها و مفاهیمی است که در تمامی مکاتب و شرایع آسمانی و بشری مورد تأکید قرار گرفته و همگان قوام و دوام جامعه را بدان وابسته می‌دانند. قرآن کریم با توجه به گستره یگانگی انسانها و چگونگی روابط ایشان جهت اتحاد ملی، انواع و نمونه‌هایی از قبیل اتحاد جامعه جهانی، اتحاد ادیان آسمانی، اتحاد مؤمنان و وحدت در نهاد خانواده را نام می‌برد و توجه به جنبه‌های مهم دینی و معنوی را در حفظ اتحاد از مهم‌ترین عوامل گسترش وحدت جوامع اسلامی می‌داند. سعی نگارنده در این مقاله آن است که به مفهوم شناسی اتحاد ملی بپردازد و سیر معنایی آن را از دیدگاه قرآن مورد بحث قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: اتحاد ملی، گستره اتحاد، قرآن کریم، وحدت اسلامی.

اتحاد ملی، همواره از پایه‌های قوام و استواری جامعه بوده است. جامعه‌ای که در آن وحدت ملی وجود داشته و چون یک جسم واحد، بین اعضای آن پیوستگی و ارتباط حاکم باشد، همواره در برابر دشمنان و تهدیدهای بیرونی، محکم و استوار در جهت رشد و تعالی خویش گام بر می‌دارد؛ اما جامعه‌ای که در آن تشتت و پراکندگی و اختلاف وجود داشته باشد، موانع رشد و اعتلای خود را در درون خویش پرورش می‌دهد و در نهایت با یک ضربه و تهاجم بیرونی دچار تهدید و فروپاشی می‌گردد.

اتحاد ملی از راهکارهای مطلوب جامعه‌سازی دینی در همه اعصار و قرون به شمار می‌آید؛ زیرا موجب ایجاد امتی یگانه، فراگیر، معتدل و متعادل، حق‌مدار، عدالت‌گستر، نمونه، شاهد بر همگان و به بیان دیگر، بهترین جامعه و امت از آغاز خلقت تاکنون می‌شود. بر این اساس، فریقین باید با تمسک به جنبه‌های قرآنی اتحاد ملی، از قومیت‌گرایی، تفرقه و شکاف در جهان اسلام جلوگیری کنند و با توجه به مشترکات معنوی، چون پرستش خدای واحد، قبله واحد، دین واحد، اصول اعتقادی واحد و کتاب واحد، به وحدت دامن زنند و در برابر توطئه‌های دشمنان بایستند و امیدهای آنان را مبدل به یأس نمایند و بر جایگاه قوی و شوکت و عظمت ملت اسلام بیفزایند، به طوری که در درون ملل اسلامی، اتحاد کلمه همه آحاد ملت و قومیتها و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی و در سطح بین‌المللی روابط برادرانه و وحدت همه مسلمانان امکان‌پذیر گردد.

مفهوم اتحاد ملی

کلمه اتحاد، خود به معنای یکی شدن، یگانگی داشتن،^۱ از ریشه «و ح د» به مفهوم یکتایی و یگانگی است.^۲ توجه به کارکرد مفهومی واژه اتفاق،^۳ نشان می‌دهد که مفهوم این واژه با واژه اتحاد بسیار نزدیک است. اتحاد می‌تواند به دو صورت حقیقی و مجازی تصور شود. اتحاد حقیقی به معنای تبدیل دو چیز به یک چیز است؛ اگر چه تحقق چنین اتحادی در خارج محال است.^۴ اتحاد مجازی نیز تبدیل یک چیز به چیز دیگر است که خود بر دو نوع است: یکی آن است که بر اثر ضمیمه شدن یک شیء به شیء دیگر، محصول سومی پدید می‌آید؛ نظیر آنکه خاک با در آمیختن با آب، به گل تبدیل شود و دیگر آنکه چیزی بدون ممزوج شدن با چیز دیگر صورت جدیدی بپذیرد؛ مانند تبدیل شدن آب به بخار بر اثر حرارت.^۵

اتحاد ملی در اصطلاح، آن است که آرا و اندیشه‌ها متفق و هماهنگ باشد و همه مردم از هر رنگ و نژاد و قوم و قبیله، با هم همکاری داشته و در کنار یکدیگر باشند و مشکلات یکدیگر را حل کنند و علیه یکدیگر کارشکنی و خیانت نکنند.^۶

در سطح جهانی نیز با رویکرد سیاسی، یگانه شدن دو یا چند کشور و پذیرش نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی واحد است که در پی آن، به همه آنها یک امت و کشور اطلاق شود.^۷ در علوم و از جمله فلسفه و کلام نیز از گونه‌های مختلف اتحاد، در سطح حقیقی و مجازی، سخن به میان آمده و درباره امکان یا امتناع هر یک، مباحثی طرح شده است. از جمله مباحث قابل توجه در این زمینه، بحث اتحاد عاقل و معقول است که وجوهی در تبیین آن ذکر گردیده است.^۸

قرآن کریم به مسئله اتحاد از بُعد ملی و اجتماعی آن می‌نگرد و بر اهمیت آن میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید دارد و پیوند میان قلوب مؤمنان را نوعی تصرف الهی می‌شمارد و برای حفظ آن، ارسال پیامبران به همراه شرایع را ضروری می‌داند. این واژه در قرآن با مضامین متنوعی چون موارد ذیل آمده است:

امت واحده: «كان الناس امة واحدة».^۹

اعتصام به حبل الله: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا...».^{۱۰}

کلمه سوا: «قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم...».^{۱۱} این به معنای

باورهای دینی مشترک است که اهل کتاب نیز باید بدان ملزم باشند.

صراط مستقیم: «وان هذا صراطي مستقيماً فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن

سبيله...».^{۱۲} یاد کرد این واژه به صورت مفرد در برابر واژه «سبیل» که گاه به صورت جمع می‌آید، حکایت از وحدت و یکپارچگی راه مؤمنان دارد.

تألیف میان دلها: «والف بين قلوبهم...».^{۱۳}

اخوت و برادری: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم».^{۱۴}

بنیان مرصوص: «ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كانهم بنیان مرصوص».^{۱۵} این

تعبیر بیانگر یکپارچگی مؤمنان در رویارویی با کافران است.

«کافه»^{۱۶} نیز واژه‌ای است که در قرآن و بر اساس برخی تفاسیر که آن را صفت مؤمنان

دانسته‌اند، به معنای همدلی، یکپارچگی و وحدت ملی آنان در پذیرش اسلام است.^{۱۷} «حزب

الله»^{۱۸} «اصلاح ذات البین»^{۱۹} «شرکت مؤمنان در امور اجتماعی»^{۲۰} و «ارتباط مؤمنان با

یکدیگر»، از جمله مضامین قرآنی در این باره است.^{۲۱}

پیشینه اتحاد ملی

شایان ذکر است که قرآن با بنی و ستم دانستن اختلاف و تفرقه،^{۲۲} در صدد تبیین این نکته

بر می‌آید که اتحاد و یگانگی انسانها در دین و در سطح ملی، امری فطری است. در جایی نیز از

یگانگی نخستین مردم سخن به میان می‌آورد و اختلاف را امری عارضی می‌شناسد که در پی آن، بعثت پیامبران و ارسال کتب آسمانی ضرورت یافته است.^{۳۳}

غالب مفسران معتقدند: در این آیه ایجاز حذف صورت گرفته و جمله «فاختلفوا» پیش از «فَبَعَثَ» حذف شده است؛^{۳۴} زیرا فقط در این صورت است که ارتباط میان برانگیختن پیامبران پس از یکپارچه بودن اجتماعات بشری معنا می‌یابد.

درباره این موضوع که مقصود از امت واحده و یگانگی آنها چیست، میان مفسران اختلاف چشمگیری وجود دارد. بسیاری، آن را یگانگی بر دین واحد که ایمان حقیقی برگرفته از دین الهی است، دانسته‌اند.^{۳۵} برخی دیگر، آنان را در تمسک به شرایع عقلانی که اعتراف به وجود صانع و پرهیز از قبایح عقلی است، یگانه شمرده‌اند.^{۳۶} گروهی از مفسران نیز معتقدند که آنان، در اعتقاد و عمل به دین کفر، یگانگی و اتحاد ملی داشته‌اند.^{۳۷} برخی نیز یگانگی را به معنای فطرت‌های سالم و دست‌نخورده، همزمان با زندگی ساده و نخستین انسانها دانسته‌اند.^{۳۸} در میان این دیدگاهها، یگانه دانستن انسانها در پذیرش کفر، درست نیست؛ زیرا افزون بر آنکه سرشته شدن فطرت آدمی با کفر در آغازین روزهای حیات را در پی دارد، خلاف آموزه‌های قرآن است که توحید و خداشناسی را فطرت آدمی می‌شناسد.^{۳۹} آیه ۴۸ سوره مبارکه مائده (مطابق با اراده تکوینی الهی در یکدست کردن مردم) در مقام تمجید و ستایش این اتحاد و یگانگی است. دیگر اینکه لازم می‌آید خداوند انسانها را در این دوره به نسبت طولانی، در حالت کفر و بدون هدایت پیامبران رها کرده باشد که با آیه ۲۴ سوره مبارکه فاطر، ناسازگار است. اگر قرار بود پیامبران برانگیخته شوند، باید در این دوره که بر باطل اتفاق وجود داشت، انجام می‌پذیرفت.^{۴۰}

فقدان شریعت آسمانی و بسنده کردن به رهنمودهای عقل و درک فطری بشر که در ارائه برنامه زندگی ناتوان است، در این زمان نیز به دلیل ناسازگاری با آیه ۲۴ سوره فاطر و اینکه لازمه اش عدم بعثت انبیا در قرون اولیه بشر است، منطقی به نظر نمی‌رسد. بنابراین، با توجه به اینکه طبق آموزه‌های دینی، آدم علیه السلام در جایگاه پیامبر خدا حامل پاره‌ای از تعالیم وحیانی است، دیدگاه نخست که یگانگی بر پیروی از دین الهی است، تقویت می‌شود، با این تفاوت که این تعالیم، بسیار ساده و با فطرت‌های ساده مردم آن عصر منطبق بوده است. بعدها نیز بر اثر اختلافات پدید آمده و پیچیدگی زندگی اجتماعی، پیامبران با آوردن شرایع و تعالیم کامل‌تر به رفع آنها پرداختند.^{۴۱}

درباره زمان این یگانگی نیز اختلاف وجود دارد. عالم ذر،^{۴۲} دوران آدم علیه السلام،^{۴۳} ده قرن فاصله زمانی میان آدم و نوح علیه السلام،^{۴۴} دوران آدم تا ادریس،^{۴۵} دوران آدم علیه السلام تا رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله،^{۴۶} دوران ابراهیم علیه السلام،^{۴۷} و دوران بنی اسرائیل،^{۴۸} دیدگاههایی است که در تبیین آن ارائه شده است. در میان این دیدگاهها، دیدگاه سوم یعنی دوران میان آدم تا نوح علیه السلام منطقی‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا انسانها از زمان آدم تا نوح بر دین الهی پایبند بودند و از این دوران به بعد در اثر پیچیده شدن نظام اجتماعی و رهیافت نحل‌های فکری، اختلاف عقیدتی و اجتماعی میان مردم رخ می‌نماید.^{۴۹}

طهری

سال ۱۳۸۱ - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۱

۱۳۸

ارزش و اهمیت اتحاد ملی

قرآن اتحاد ملی را نعمتی بزرگ و یادکردنی دانسته و از مؤمنان خواسته است تا تلخی و خطر آفرینی دوران تفرقه را از یاد نبرند و به یاد داشته باشند که چگونه خداوند میان آنان انس و الفت برقرار ساخت.^{۴۰} در این آیه، دو بار از نعمت اتحاد و گستره ملی آن یاد شده که جایگاه و اهمیت آن را نشان می‌دهد. اتحاد و همبستگی ملی و درونی همه انسانها چنان مطلوب و در برابر، اختلاف چنان نکوهیده است که قرآن در پنج آیه اعلام داشته: اگر مصلحت ایجاب می‌کرد، خداوند با اراده تکوینی خود، همه مردم را یکپارچه و از یک امت و ملت قرار می‌داد.^{۴۱}

همچنین از آیه ۶ سوره شریفه انعام و آیه ۱۰ سوره شریفه یونس برمی‌آید که مقصود از «امت واحده»، همان یکپارچگی ملی در پذیرش دین الهی است.^{۴۲} آیه ۴۸ سوره مبارکه مائده، بیان می‌دارد مصلحتی که مانع تحقق این اراده تکوینی الهی شده، ابتلا و آزمایش مردم با برخورداری از اصل اختیار است. حضرت علی علیه السلام در گفتاری بلند، سرگذشت امت‌های پیشین را گوشزد می‌کند که هنگام اتحاد و یکپارچگی ملی، چگونه دارای عزت و شوکت بودند و بر جهانیان فرمانروایی داشتند؛ اما آن‌گاه که از هم پراکنده و دچار تفرقه شدند، خواری و ذلت به آنان روی آورد و از هر سو تاراج شدند.^{۴۳}

مفهوم شناسی تحلیلی اتحاد ملی

اتحاد ملی در معنا و مفهوم، در قالب گزاره‌ها و موارد ذیل قابل تحلیل است:

۱. بافت متن اتحاد ملی، بافتی اجتماعی - سیاسی است.
۲. بافت موضوعی آن نیز «همگرایی» میان واحدهای انسانی، گروهی، جمعی و سازمانی است که می‌تواند رسالتی نهادی را به همراه داشته باشد.^{۴۴}
۳. بافت موقعیتی اتحاد ملی نیز در مرزهای جغرافیایی تعریف شده در چارچوب ملت - دولت است، که نقطه عزیمت تجلی یا منزلگه بروز آن را باید در عرصه حیات اجتماعی - سیاسی دنبال و جست‌وجو کرد.^{۴۵}
۴. مفهوم اتحاد ملی در ادبیات سیاسی از دو ویژگی «یگانگی درونی و پیوستگی بیرونی» برخوردار است، که در هر دو منظر، متوجه خط دوام و ثبوت وحدت در عرصه حیات جمعی جهت رسیدن به هدف یا اهداف تعریف شده فردی، اجتماعی و ملی پذیرفته شده است. از همین رو، یک ملت با حصول به یگانگی درونی و تسری آن به لایه‌های بیرونی در قالب پیوستگیهای اجتماعی و بسط آن در تمامی عرصه‌ها، حوزه‌ها و بخشهای جامعه ملی می‌تواند به اتحاد ملی دست یابد.^{۴۶}

۵. «وحدت» نقطه عطف و وجه پروتونی اتم «اتحاد ملی» را تشکیل می‌دهد، که در حول آن، وجه نوترونی وفاق آن را گسترش می‌دهد و سپس با پیوند با «اتحاد» در مقام وجه الکترونی آن، اتم سازنده حیات اجتماعی و سیاسی قدرتمند را حاصل می‌نماید.^{۳۷}

۶. یگانگی در ساحت حیات ملی، حالت فربه شده، گسترش یافته و تعمیق پذیرفته هویت ملی را به تصویر می‌کشد که از دالان وحدت و وفاق گذشته و در سراپرده «خرد سیاسی» استحکام پذیرفته است. از همین رو، باید اتحاد ملی را اتم قدرت ملی یک کشور دانست و میان مفاهیم یگانه‌گرایی، یگانگی شخصیت، یگانگی فرهنگی و یگانگی اجتماعی ارتباط وثیق و معناداری قائل بود؛ زیرا در یگانگی شخصیت، نظام شخصیتی خاصی ایجاد می‌شود که در پیوند با یگانگی فرهنگی به یگانگی اجتماعی می‌پیوندد. حاصل این یگانگی اجتماعی نیز دستیابی به قدرت ملی استحکام یافته‌ای است که بنیاد امنیت ملی، توسعه ملی و حصول به اهداف ملی تعریف شده یک ملت محسوب می‌گردد.^{۳۸}

گستره قرآنی اتحاد ملی

با توجه به گستره مورد نظر قرآن درباره یگانگی و اتحاد ملی و درونی انسانها و نیز چگونگی آن، مواردی را می‌توان برشمرد:

۱. اتحاد جامعه جهانی: یگانگی انسانها در تمام گیتی در برخورداری از حقوق با صرف نظر از زبان، رنگ، ملیت و دین آنان مورد حمایت و تشویق اسلام است؛^{۳۹} زیرا اتحاد در این مرتبه که ضعیف‌ترین انواع یگانگی است، خود آثار مثبتی در روابط میان انسانها و احترام متقابل بر جای می‌گذارد و می‌تواند مانع برتری جویی برخی بر برخی دیگر و نژادپرستی باشد.^{۴۰}

محور این نوع اتحاد انسانیت انسانهاست. بر این اساس، قرآن انسانها را آفریده شده از یک گوهر^{۴۱} و از یک پدر و مادر می‌داند^{۴۲} و رنگ و زبان آنها را نه مایه امتیاز و برتری جویی، بلکه از نشانه‌های قدرت الهی می‌شمرد^{۴۳} و چند گونه‌ی قبیله‌ای و طایفه‌ای را راهی برای شناسایی بهتر یکدیگر می‌شناسد^{۴۴} و فقط تقوای الهی را مایه گرمی بودن آنان می‌داند.^{۴۵} حضرت علی علیه السلام با استناد به همین آموزه قرآنی در عهدنامه مالک اشتر، مردم را به دو دسته همسان در آفرینش و برادر دینی تقسیم می‌کند: «إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق»^{۴۶} و رعایت حقوق همه آنان را بر حاکم فرض می‌داند.

۲. اتحاد ادیان آسمانی: قرآن، گوهر ادیان آسمانی را یکسان و تسلیم در برابر خداوند معرفی کرده و از این رو از دین آسمانی با عنوان اسلام یاد نموده است.^{۴۷} همچنین ادیان آسمانی را در پذیرش و دعوت به سه اصل بنیادین توحید، نبوت و معاد برابر می‌داند.^{۴۸} و اختلاف میان ادیان را

در شرایع هر یک که با مقتضیات و ضرورت‌های هر عصر منطبق است، می‌شناسد؛^{۶۰ و ۵۹} چنان که تفاوت اسلام را با دیگر ادیان در بیان تفصیلی و جامعیت آن می‌داند.^{۶۱} بدین سبب قرآن از اهل کتاب دعوت می‌کند که در سایه سخن مشترک با مسلمانان گرد آیند،^{۶۲} و جهت گسترش اتحاد ملی، در دو آیه دیگر نیز، پیروان ادیان دیگر چون یهود، نصارا و صائبان را در صورتی که به خدا و روز قیامت ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که بالطبع مفهوم چنین شرایطی پذیرش رسالت پیامبر اعظم ﷺ و حقانیت اسلام است، اهل نجات معرفی می‌کند.^{۶۳ و ۶۴} همچنین قرآن پیروان دیگر ادیان آسمانی را در پذیرش اسلام^{۶۵} با پرداخت جزیه مختار می‌داند^{۶۶} و در صورت پرداخت جزیه، حفظ حرمت، حقوق و امنیت آنان را در جایگاه اقلیت‌های دینی بر حکومت اسلامی لازم می‌شمرد و آنان را در عمل به شریعت خود آزاد می‌شمارد و حفظ کلیساهای، کنیسه‌ها و صومعه‌های آنان را برای خداوند، امری مطلوب می‌داند.^{۶۷ و ۶۸}

قرآن کریم در کنار این برنامه‌های تشریعی، پیروان اهل کتاب را بر گرد آمدن بر نقاط مشترک با مسلمانان فرا می‌خواند^{۶۹} و بدین ترتیب، بنیاد جامعه‌ای آرام و امن همراه با اتحاد ملی و درونی و احترام متقابل را پی می‌ریزد. گویا ستایش برخی از اهل کتاب^{۷۰} و نیز معرفی قرآن به صورت تصدیق کننده کتب آسمانی پیشین^{۷۱} و پاک شمردن طعام اهل کتاب بنا به نظر برخی فقیهان^{۷۲} و مجاز شمردن معامله و داد و ستدهای اجتماعی با آنان^{۷۳} و نهی از مجادله نادرست یا اهانت به مقدسات آنان،^{۷۴} از گام‌های اساسی قرآن برای برقراری اتحاد ملی میان ادیان به شمار می‌رود.^{۷۵}

آثار اتحاد ملی

قرآن کریم آثار یگانگی و اتحاد ملی را چنین برمی‌شمرد:

۱. امنیت و آرامش

مهم‌ترین دستاورد اتحاد ملی در همه انواع و صور آن، حفظ صلح، آرامش و امنیت و دور ماندن از جنگ و خونریزی و جدایی است؛ زیرا اتحاد در جامعه جهانی و در سطح ملی، حس نوع‌دوستی و همکاری متقابل را تقویت می‌کند و همه فتنه‌های اجتماعی را که از برتری‌جویی نژادی ناشی است، از بین می‌برد؛ چنان که اتحاد پیروان ادیان آسمانی، از تنش میان آنان می‌کاهد و اتحاد میان مؤمنان، زمینه درگیری را مرتفع می‌سازد و یگانگی در نهاد خانواده مانع از طلاق و قطع پیوند خویشاوندی می‌شود. قرآن از تفرقه، به عنوان کرانه گودال آتش جنگ یاد کرده که اتحاد ملی، خطر فرو افتادن در چنین گودالی را برطرف می‌سازد.^{۷۶}

۲. برجیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و استعمارگران

از آیه ۴ سوره مبارکه قصص برمی آید که فرعون از اهرم تفرقه بنی اسرائیل برای استضعاف و بهره‌کشی از آنان استفاده کرده است.^{۷۷} مفهوم آیه این است که در سایه اتحاد بنی اسرائیل، استثمار آنان ممکن نبوده است.

۳. حفظ استواری و استحکام

قرآن کریم، با توجه به آیه ۴۶ سوره مبارکه انفال، بیان می‌دارد که اتحاد در سطح ملی و جهانی، باعث استواری و استحکام صفوف مسلمانان در برابر دشمنان می‌شود؛ چنان که در جای دیگر، مؤمنان ایستاده و تشکل یافته در یک صف را که مانند بنیان مرصوص در راه خدا به نبرد می‌پردازند، ستوده است.^{۷۸}

۴. حفظ قدرت و هیمنه

قرآن کریم از مسلمانان خواسته تا با تقویت قوای جسمانی و نظامی، زمینه رعب و وحشت دشمنانشان را فراهم سازند؛^{۷۹} بدین جهت، آنان را از منازعه برحذر داشته و آن را زمینه‌ساز از دست رفتن هیمنه آنان در دل دشمنان دانسته است.^{۸۰}

گویا اتحاد و یگانگی مؤمنان در همه انواع و سطوح درونی و ملی، باعث حفظ این هیمنه خواهد بود و اگر مسلمانان بخواهند این هیمنه را در میان جهانیان و در گستره فرا ملی و بین‌المللی حفظ کنند، یگانه راه آن، پایبندی به این یگانگی و اتحاد است.^{۸۱}

ظهور

راهکارهای اتحاد ملی

قرآن کریم جهت برقراری یگانگی و اتحاد ملی و حفظ آن، راهکارهای گوناگونی را پیش‌بینی و ارائه کرده که بخشی از آن، جنبه پیشگیری از تفرقه دارد و بخشی دیگر به درمان آن ناظر است. این راهکارها عبارت از موارد ذیل است:

۱. توجه به نقاط مشترک

مخاطبان دعوت به اتحاد ملی، نقاط مشترکی دارند که قرآن بر این نقاط، تأکید کرده و آنان را به یگانه شدن بر محور آنها فرا خوانده است. تأکید بر اینکه انسانها همه از خاک آفریده شده^{۸۲} یا از یک پدر و مادر زاده شده‌اند،^{۸۳} و اینکه کرامت انسانی به همه انسانها متعلق است و رنگ و نژاد در آن تأثیر ندارد،^{۸۴} توجه دادن به این نقاط مشترک در یگانگی جهانی و ملی است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب به نقاط مشترک عقیدتی^{۸۵} نیز بدین سبب انجام گرفته است.^{۸۶}

۲. چنگ زدن به ریسمان الهی

قرآن کریم در صریح‌ترین آیه در دعوت به اتحاد در همه سطوح و حتی ملی، همه مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه خوانده است.^{۸۷} همچنین در آیات ۱۴۶ و ۱۷۵

سوره نساء و ۱۰۱ سوره آل عمران از تمسک جستن به خداوند برای گسترش اتحاد ملی، سخن به میان آمده است.

مفسران در مفهوم ریسمان الهی نظرات گوناگونی ارائه نموده‌اند: در تفسیر این واژه به قرآن، کتاب و سنت،^{۸۹} دین الهی،^{۹۰} اطاعت خداوند،^{۹۱} توحید خالص،^{۹۲} ولایت اهل بیت علیهم السلام^{۹۳} و جماعت،^{۹۴} اشاره شده است. برخی مفسران نیز مفهوم جبل‌الله را شامل همه این معانی دانسته‌اند.^{۹۵} فخر رازی نیز معتقد است: هر چه راه دستیابی به حق در دین را فراهم سازد، مصداق جبل‌الله است.^{۹۶} اما آنچه به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین تفسیر را برای واژه مذکور نشان می‌دهد، دیدگاه نخست یعنی قرآن است؛ چنان‌که در روایتی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله قرآن، ریسمان الهی کشیده شده میان آسمان و زمین معرفی شده است.^{۹۷} معرفی قرآن به صورت ثقل اکبر در روایت معروف ثقلین نیز مؤید این مدعا است؛^{۹۸} چنان‌که قرآن، خود از مؤمنان خواسته است تا در منازعات و اختلافات خود، به خداوند رجوع کنند^{۹۹} و این رجوع به خداوند در روایت حضرت علی علیه السلام به رجوع به قرآن تفسیر شده است.^{۱۰۰} بنابراین، قرآن افزون بر آنکه می‌تواند در نقش محور یگانگی، ایجاد کننده آن باشد، می‌تواند در رویکرد اختلافات، یگانگی و اتحاد پیشین را نیز اعاده کند. چنین نقشی برای قرآن بدان سبب است که افزون بر دعوت همگان به اتحاد و یگانگی و برحذر داشتن آنان از تفرقه، نظام عقیدتی، اخلاقی و عملی منسجم و هماهنگی را ترسیم می‌کند که هر کس بدان رجوع کند، ناخودآگاه خود را با سایر پیروان قرآن یگانه می‌یابد.

۱. مراجعه به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: افزون بر آنکه قرآن، وجود پیامبر صلی الله علیه و آله را محوری برای همبستگی ملی و یگانگی مسلمانان می‌شناسد،^{۱۰۱} مراجعه به سنت حضرت را نیز راهکاری برای ایجاد و حفظ یگانگی و همبستگی ملی معرفی کرده است.

بر اساس آیه ۵۹ در سوره مبارکه نساء، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با توجه به عهده‌دار بودن سیمت شرح و تبیین قرآن در کنار مقام رسالت،^{۱۰۲} افزون بر آنکه خود می‌تواند برطرف کننده منازعات و مشاجرات باشد، سنت وی نیز به صورت شارح قرآن می‌تواند ابهامات و اشتباهات در فهم قرآن را که خود ممکن است زمینه‌ساز پراکندگی باشد، برطرف کند. حضرت علی علیه السلام برای نشان دادن اشتباه خوارج در کج‌فهمی از آیه ۴۰ سوره مبارکه یوسف، از ابن عباس می‌خواهد که با سنت با آنان به محاجه بپردازد.^{۱۰۳}

۲. مراجعه به اهل بیت علیهم السلام: قرآن کریم از مسلمانان خواسته است تا در موارد اختلاف میان خود یا فهم دین، به اهل بیت علیهم السلام رجوع کنند^{۱۰۴} و یکی از عوامل معرفی اهل بیت علیهم السلام در جایگاه ثقل اصغر در روایت ثقلین از سوی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نقش مؤثر آنان در ایجاد و حفظ همبستگی ملی و یگانگی درونی بوده است.^{۱۰۵}

۳. اصلاح ذات البین: به رغم وجود عناصر اتحاد مانند وحدت عقیده، رهیافت اختلاف و منازعه میان برادران ایمانی تا حدی طبیعی و جزو راه‌آوردهای زندگی اجتماعی است. اما قرآن برای مقابله با چنین اختلافاتی و برای ماندگاری یگانگی پیشین مؤمنان و گسترش اتحاد ملی، از آنان خواسته است تا برای اصلاح میان برادران دینی و رفع منازعه مداخله^{۱۰۶} و در صورت ایجاد کدورت، خود به اصلاح فیما بین اقدام کنند.^{۱۰۷} حضرت علی علیه السلام نیز در وصیتنامه خود با استناد به روایت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آن را برابر با همه نمازها و روزه‌ها دانسته است.^{۱۰۸}

۴. امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر، نقش ویژه‌ای در برقراری و توسعه اتحاد ملی و نیز جلوگیری از تفرقه ایفا می‌کند. به همین دلیل قرآن کریم، پس از فراخوانی مسلمانان به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه، از آنان می‌خواهد که به انجام امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند^{۱۰۹} و مانند پیروان ادیان پیشین دچار چند دستگی نشوند.^{۱۱۰} امر به معروف و نهی از منکر به دلایل ذیل از راهکارهای مطلوب اتحاد ملی است:

۱. امر به معروف و نهی از منکر، حافظ و پشتیبان امت در انجام اعمال خیر است.^{۱۱۱}
 ۲. امر به معروف و نهی از منکر، پوششی اجتماعی برای محافظت جمعیت است و حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست.^{۱۱۲}
 ۳. امر به معروف و نهی از منکر به صورت نظارت اجتماعی می‌تواند مانع رواج انحرافات عقیدتی و تفرقه و تشتت ملی و درونی باشد.^{۱۱۳}

۴. برنامه‌های صحیح و فراگیر عبادی: در اسلام، تشریح عبادات به گونه‌ای انجام گرفته که فرد و اجتماع را خواسته یا ناخواسته به همگرایی و یگانگی عملی فرا می‌خواند. قرآن کریم با ارائه عالی‌ترین مضامین دعاها تصریح می‌نماید که غالب آنها به صورت جمع ارائه شده و این ناشی از ارزش همبستگی ملی و درونی مسلمانان است.^{۱۱۴} به عنوان نمونه، سفارش دعا به چهل مؤمن، حاکی از روح یگانه نگریستن ملت و امت اسلام است.^{۱۱۵} استفاده شدن از صیغه‌های جمع در سوره حمد در نماز و ادای این فریضه الهی به سوی کعبه، همه ناشی از دعوت قرآن به جمع‌نگری و اتحاد ملی مسلمانان است.^{۱۱۶} تأکید قرآن و اسلام بر حضور در مساجد و برقراری نماز جماعت^{۱۱۷} و نیز نوید دادن ثوابهای فراوان بر اقامه آن در روایات و همچنین حضور در نماز جمعه، همه حاکی از ارزش اتحاد ملی و حضور مؤمنان در اجتماعات و توجه به همگرایی است.^{۱۱۸}

حکمت‌هایی چون مشاهده منافع معنوی از سوی مسلمانان،^{۱۱۹} استحکام هر چه بهتر و بیشتر پیوندهای برادری و ملی و نشان دادن قدرت آنان در صورت حفظ این یگانگی^{۱۲۰} و همچنین حرمت جدال و منازعه^{۱۲۱} و بر تن کردن لباسهای یکرنگ و ساده احرام در حج به همراه انجام مناسک همزمان و در کنار یکدیگر از نظر قرآن، نشانگر اهمیت اتحاد ملی و یگانگی درونی است.

پس نوشتہا:

۱. لغت نامه، ج ۱، ص ۸۴۴ «اتحاد».
۲. ترتیب العین، ص ۸۴۲: الصحاح، ج ۲، ص ۵۴۷: النهاية، ج ۵، ص ۱۶۰.
۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۶ ص ۹۰، «وحد»: لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۵۷، «وفق».
۴. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۷۴.
۵. شرح باب حادی عشر، ص ۱۱۶.
۶. فرهنگ فارسی، دکتر معین، تهران، نشر سپهر، ج ۱، باب اتحاد.
۷. المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۱۰۱۷؛ دائرة المعارف بستانی، ج ۲، ص ۴۴۰.
۸. نهایت الحکمة، علامه طباطبائی رحمته، ص ۲۹۸.
۹. بقره: ۲۱۳.
۱۰. آل عمران: ۱۰۳.
۱۱. آل عمران: ۶۳.
۱۲. انعام: ۱۵۳.
۱۳. انفال: ۶۳.
۱۴. حجرات: ۱۰.
۱۵. صف: ۳.
۱۶. توبه: ۳۶.
۱۷. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۷۵.
۱۸. مائده: ۵۶.
۱۹. انفال: ۱.
۲۰. نور: ۶۲.
۲۱. آل عمران: ۲۰۰.
۲۲. بقره: ۲۱۳.
۲۳. همان.
۲۴. التبیان، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۹۷: الصافی، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۴۵.
۲۵. التفسیر الکبیر، ج ۶ ص ۱۳: کشف الاسرار، ج ۱، ص ۵۵۵-۵۵۶: جامع البیان، مج ۲، ج ۲، ص ۴۵۵.
۲۶. التفسیر الکبیر، ج ۶ ص ۱۴: تفسیر مراغی، ج ۱، ص ۱۲۲.
۲۷. کشف الاسرار، ج ۱، ص ۵۶۵: التفسیر الکبیر، ج ۶ ص ۱۳: تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۲۲.
۲۸. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۵.
۲۹. روم: ۳۰.
۳۰. التفسیر الکبیر، ج ۶ ص ۱۲.
۳۱. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۷۷.
۳۲. جامع البیان، مج ۲، ج ۲، ص ۴۵۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳۳. تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۲۲.
۳۴. کشف الاسرار، ج ۱، ص ۵۶۵.
۳۵. تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۲۲.
۳۶. همان.
۳۷. همان.
۳۸. التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۱۵.
۳۹. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۵.
۴۰. آل عمران: ۱۰۳.
۴۱. مائده: ۴۸؛ انعام: ۳۵؛ هود: ۱۱۸؛ نحل: ۹۳؛ شوری: ۸.
۴۲. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۸۰.
۴۳. نهج البلاغه، خطبة ۱۹۲؛ عوامل سقوط حکومت ها، ص ۱۴۲-۱۴۴.
۴۴. ر.ک: فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۶، ص ۲۴-۲۵.
۴۵. همان، ص ۲۳-۲۴.
۴۶. ر.ک: براس، اولیو راستلی و بلاک، آن، فرهنگ اندیشه نو، ترجمه: علی پاشایی و دیگران، تهران، انتشارات مازیار، ص ۸۵۹-۸۶۱.
۴۷. ر.ک: فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۶، ص ۲۶-۲۸.
۴۸. ر.ک: گولد، جولوس و کولب، ویلیام ال، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه گروه مترجمان، به کوشش محمد جواد زاهدی، تهران، انتشارات مازیار، ص ۹۳۳-۹۳۶.
۴۹. الوحدة الاسلامیة، ص ۱۱.
۵۰. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۲۶.
۵۱. اشاره به: نساء: ۱.
۵۲. اشاره به: حجرات: ۱۳.
۵۳. روم: ۲۲.
۵۴. حجرات: ۱۳.
۵۵. همان.
۵۶. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۵۷. آل عمران: ۱۹.
۵۸. ر.ک: تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۱۵-۴۱۷؛ المیزان، ج ۳، ص ۱۲۰.
۵۹. همان، ص ۴۱۳؛ المیزان، ج ۳، ص ۱۲۱.
۶۰. مائده: ۴۸.
۶۱. آل عمران: ۵۳.
۶۲. آل عمران: ۶۳.
۶۳. بقره: ۶۲.
۶۴. مائده: ۶۹.

طهری

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۲

۱۴۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۶۵ بقره: ۲۵۶
 ۶۶ توبه: ۲۹
 ۶۷ المیزان، ج ۱، ص ۱۶۵
 ۶۸ حج: ۴۰
 ۶۹ آل عمران: ۶۴
 ۷۰ مائده: ۶۶ و ۸۳
 ۷۱ بقره: ۴۱ و آل عمران: ۳
 ۷۲ المیزان، ج ۱، ص ۲۴۲؛ مائده: ۵
 ۷۳ ممتحنه: ۸
 ۷۴ عنکبوت: ۴۶
 ۷۵ دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۸۲
 ۷۶ المیزان، ج ۳، ص ۳۷۱؛ آل عمران: ۱۰۳
 ۷۷ همان، ج ۱۶، ص ۸
 ۷۸ ر.ک: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۹۲؛ تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۶۶-۶۵؛ صف: ۴
 ۷۹ انفال: ۶۰
 ۸۰ انفال: ۴۶
 ۸۱ دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۸۵-۸۴
 ۸۲ حج: ۵
 ۸۳ حجرات: ۱۳
 ۸۴ اسراء: ۷۰
 ۸۵ آل عمران: ۶۴
 ۸۶ همان، ص ۸۶
 ۸۷ آل عمران: ۱۰۳
 ۸۸ جامع البیان، مج ۳، ج ۴، ص ۴۳
 ۸۹ کشف الاسرار، ج ۶، ص ۴۰۷
 ۹۰ مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۵
 ۹۱ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۵
 ۹۲ همان، ص ۲۸۶
 ۹۳ البرهان، سیدهاشم بحرانی، ج ۱، ص ۴۴۶
 ۹۴ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۴-۲۸۵
 ۹۵ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۳۶-۵۳۷ و ۸۰۵
 ۹۶ التفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۳
 ۹۷ «کتاب الله هو حبل الله الممدود من السماء إلى الأرض» کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۳ ح ۹۲۳



۹۸. المستدرک، ج ۳، ص ۱۱۸: اهل البيت عليهم السلام في الكتاب والسنة، ص ۱۲۶-۱۳۸
 ۹۹. نساء: ۵۹.
 ۱۰۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.
 ۱۰۱. آل عمران: ۱۵۹.
 ۱۰۲. نحل: ۴۴.
 ۱۰۳. نهج البلاغه، نامه ۷۷.
 ۱۰۴. نساء: ۸۳.
 ۱۰۵. ر.ک: اهل البيت عليهم السلام في الكتاب والسنة، ص ۱۲۶-۱۳۸.
 ۱۰۶. حجرات: ۹.
 ۱۰۷. انفال: ۱.
 ۱۰۸. نهج البلاغه، نامه ۴۷.
 ۱۰۹. آل عمران: ۱۰۴.
 ۱۱۰. همان، ۱۰۵.
 ۱۱۱. تفسیر المنار، ج ۴، ص ۴۸.
 ۱۱۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵.
 ۱۱۳. دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۸۹-۸۸.
 ۱۱۴. مانند آیات ۱۹۱-۱۹۴ آل عمران.
 ۱۱۵. الخصال، شیخ صدوق، ص ۵۳۸؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۸۰.
 ۱۱۶. بقره: ۱۴۴.
 ۱۱۷. همان، ۴۳، ر.ک: غریب القرآن، ص ۳۶۴-۳۶۵.
 ۱۱۸. جمعه: ۹ و نور: ۶۲، ر.ک: دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۹۱.
 ۱۱۹. حج: ۲۸.
 ۱۲۰. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۹.
 ۱۲۱. بقره: ۱۹۷.

طهری

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶

۱۴۸